

لایه‌های سبکی اشعار عاشورایی پس از انقلاب اسلامی

سکینه مهدوی کلانته نو^۱

دکتر محمود فیروزی مقدم^۲

دکتر مهیار علوی مقدم^۳

دکتر علی صادقی منش^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

چکیده

شعر عاشورایی، از گسترده‌ترین شاخه‌های شعرآیینی است که به روایت رویدادها و توصیف شخصیت‌های مرتبط با واقعه عاشورا می‌پردازد. این شعر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به ویژه دوران جنگ ایران و عراق رونق بیشتری یافت. توصیف شخصیت‌های عاشورایی به سان الگوهای متعالی مبارزه با ظلم، ایثار و صبر، انگیزه‌بخش مخاطبان در دوران انقلاب و جنگ بود؛

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربیت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربیت حیدریه، ایران. sakinemahdavi32@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربیت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربیت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول). firouzimoghaddam@gmail.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. m.alavi2007@yahoo.com

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

دورانی که در آن مردم نیازمند حفظ روحیه پایداری و مقاومت در خود بودند. پژوهش حاضر ضمن شناسایی لایه‌های سبکی و پیوند مسائل زبانی با محتوا ما را به درک و دریافت دقیق‌تری از این نوع شعر می‌رساند. کاربرد واژگان عینی و نشان‌دار، تکرار واژه‌ها و هم‌حروفی آنها و همچنین وجود تشبیهات و استعارات گرفته شده از طبیعت، از ویژگی‌های این نوع اشعار است. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی لایه‌های سبکی اشعار عاشورایی بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد و تکامل اشعار را در چهار لایه آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی نشان می‌دهد. براساس یافته‌های پژوهش این اشعار در حوزه واژگان و تصاویر نوآورانه است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، سبک شناسی، شعر آیینی، شعر عاشورایی.

مقدمه

شعر آیینی عاشورایی به جهت پیوند با روح فرهنگ و اندیشه ایرانی از اعتبار و اهمیت فراوانی برخوردار است. روایت واقعه کربلا و توصیف شخصیت‌ها و مناسک آیینی عاشورا از محورهای اصلی این نوع شعر است. ذکر واقعه عاشورا از دیرباز در عرصه ادبیات فارسی وجود داشته است، چنان‌که نمونه‌های آن را در آثار شاعران و نویسندگان چون ابوالفضل بیهقی، کسایی، سنایی، عطار، مولوی و ابن‌یمین می‌بینیم. بدیهی است که از قرن هشتم و نهم به این سو به علت تغییر شرایط سیاسی-اجتماعی شعر عاشورایی تجلی بیشتری یافته است. بخشی از ذهنیت ادبی فارسی‌زبانان با ادبیات و فرهنگ عاشورایی پیوند خورده است؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد مکتب عاشورا به شعر انقلابی و آیینی حیات می‌بخشد (نعمت‌سرا و زمان احمدی، ۱۳۹۶: ۲۰۰). عصر انقلاب اسلامی عصر تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که بازتاب ناگزیر آن را در عرصه ادب و هنر خواهیم یافت. شکی نیست که هر انقلاب، بر باورها، نظرها و اندیشه‌هایی مبتنی است که بدان هویت و شخصیت می‌بخشد و به همین دلیل، هر خیزش و انقلاب موجی وسیع

وگسترده از مضامین و واژه‌ها را با خویش به همراه می‌آورد. انقلاب اسلامی، مفاهیم قرآنی، نمادهای روشن و مشخص شیعی و دربیانی کلی تر فرهنگ اسلام را به فراخنای شعر کشانید. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی شاعران بیشتری به سرودن اشعار عاشورایی پرداختند که با توجه به نقش این نوع شعر در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس وسعت و اهمیت زیادی پیدا کرد. شناخت دقیق و بهتر این نوع شعر با استفاده از روش سبک‌شناسی لایه‌ای ما را در راه تعالی و پیشرفت آن یاری خواهد کرد و برجستگی‌های زبانی، زیبایی، آسیب‌ها و مشکلات آن شناسایی خواهد شد. به این ترتیب تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر عوامل زبانی مشخص خواهد شد.

بیان مسئله

برای بررسی آثار هنری، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. شناخت لایه‌های سبکی شعر عاشورایی رویکردی نو در شناخت این شعر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در بررسی سبک‌شناسی این نوع شعر مشخص خواهد شد کدام ویژگی‌های زبانی نقش مهم‌تری در فهم و تفسیر متن دارند و چه مشترکات و چه تحولات فکری در طول زمان و در بین شعرای مختلف از این منظر وجود دارد که منجر به تحولات زبانی شده است.

پیشینه پژوهش

در خصوص اشعار عاشورایی پژوهش‌های فراوانی انجام شده است که محتوا محور بوده و به سیر تحول مفاهیم و شناخت بیشتر در این زمینه توجه شده است، اما با توجه به دیدگاه‌های جدید تحلیلی در حوزه زبان‌شناسی، نقد ادبی و سبک‌شناسی این موقعیت به وجود آمده تا آثار، از دیدگاه‌های نوین مورد بررسی قرار گیرند. سروده‌های آیینی از جمله اشعار عاشورایی دارای بستری مناسب و غنی برای این نوع تحقیقات است. تاکنون پیرامون سبک‌شناسی و شعر عاشورایی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای پژوهشی مستقل و در خور توجه صورت نگرفته است، اما می‌توان از منابعی یاد کرد که محتوای آنها تا حدودی با این مقوله پیوند دارند؛ از جمله پژوهش‌های انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

پایان نامه «بررسی رویکردهای شاعران انقلاب اسلامی به واقعه عاشورا» از محمدباقر تقوی زیروانی (۱۳۹۰)، در این پژوهش ابعاد و رویکردهای اشعار عاشورایی بعد از انقلاب اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته است. نویسنده اذعان می‌دارد که ولایت مداری، نگاه تحلیلی به واقعه عاشورا، پیوند حماسه و عرفان، پیروزی خون بر شمشیر و استمرار عاشورا از ویژگی‌های مهم شعر عاشورایی انقلاب اسلامی است. مرضیه محمدزاده (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل اشعار عاشورایی عصر انقلاب اسلامی» تلاش کرده تا دوره‌های شعر عاشورایی، ویژگی‌های این گونه شعر در عصر انقلاب و عناصر موجود در آن را مورد بحث و بررسی قرار دهد و همچنین اشاره‌ای به قالب‌ها و تحریفات آن کرده است. نعمت سرا و زمان احمدی (۱۳۹۶) نیز در مقاله «نقد زیبا شناختی شعر آیینی عاشورایی قیصر امین پور» به نقد زیبا شناختی شعرهای عاشورایی قیصر امین پور در سه محور نوگرایی، تصویرپردازی و گفتمان علمی پرداخته‌اند. کتاب‌ها و مقالات متعدد دیگری نیز در این زمینه نوشته شده که بیشتر آنها جنبه معناگرایانه و محتوا محور داشته است و یا پژوهشگران حوزه سبک‌شناسی بیشتر به بررسی یک لایه سبکی و یا یک شاعر پرداختند. پژوهش حاضر سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار عاشورایی را مورد بررسی قرار داده که از این منظر بدیع است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی لایه‌های زبانی، دانشی است که از جامع‌ترین شیوه‌ها در بررسی متون بهره می‌گیرد؛ بدین معنی که از کوچک‌ترین سازه‌های زبان؛ یعنی آواها آغاز می‌کند و تا واژگان و انواع و کیفیت کاربرد آنها، تعابیر و ترکیبات، نحو و ساختار جمله‌ها، بلاغت و کاربرد اندیشه و ایدئولوژی هنرمند به تجزیه و تحلیل می‌پردازد و در نهایت از مجموع کلیت ساختاری اثر به اهداف هنری سخنور پی می‌برد. درنگ در ساختار زبانی شعر عاشورایی و چگونگی پیوند زبان با موضوع دینی و آیینی از مهم‌ترین موضوعات این مقاله است. اهمیت موضوع پژوهشی حاضر از آن جهت است که ادبیات آیینی، ادبیاتی معناگرا است و به ویژگی‌های لفظی و ساختاری آن کمتر توجه شده، اما با درنگ در این آثار

می‌توان ویژگی‌ها و برجستگی‌های لفظی و ساختاری گوناگون در آن را مشخص کرده و نوآوری‌های شاعران و تصرفات آنها را در لایه‌های آوایی، واژگانی و تصویری مورد تجزیه و تحلیل قرارداد.

سبک‌شناسی

سبک در معنای عام و در رایج‌ترین مفهوم، عبارت از شیوه خاص انجام یک کار است و در معنای اصطلاحی در زبان‌شناسی و ادبیات بر شیوه رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود. سبک در تعریف زبان‌شناسان عبارت از شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله شخص معین، برای هدفی مشخص است (لیچ به نقل از فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۴). «سبک‌شناسی، دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا در یک متن یا گروهی از متن‌ها است که بنیاد کار این دانش بر تمایز، گوناگونی و گزینش زبانی در لایه زبان (آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردی) استوار است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۹۲). آنچه علم سبک‌شناسی را از بسیاری از رویکردهای نقد ادبی متمایز می‌کند، تکیه آن بر امور عینی و واقعی موجود در متن است. همچنین انگیزه‌های روش‌شناختی و نظری کاملاً عینیت‌گرای این دانش مشخص می‌کند در یک متن کدام ویژگی‌های زبانی، کلیدهای راه‌گشای فهم، تفسیر و ارزیابی هستند و کدام عناصر در تحلیل سبک و محتوای اثر ارزش‌چندانی ندارند و باید به کناری نهاده شوند (همان، ۹۳).

سبک‌شناسی لایه‌ای

سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از روش‌های نوین است که با ارائه الگوی زبان‌شناختی به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی متن و چگونگی شکل‌گیری مفاهیم می‌پردازد. در سبک‌شناسی لایه‌ای مبانی سبک ساز در پنج لایه زبان «آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک»^۱ بررسی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۷). مزیت روش لایه‌ای در آن است که با بهره‌گیری از روش‌های متنوع، سهم هر لایه در برجسته‌سازی متن، جداگانه مشخص

۱. دو مورد اخیر به جای معنی‌شناسی و کاربردشناسی.

می شود و مشخصه های ویژه سبک و نقش و ارزش آنها را در هر لایه جداگانه روشن می سازد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

لایه آوایی

تحلیل آوایی سبک به الگوهای صوتی و شیوه تلفظ در زبان گفتار و نوشتار نظر دارد و در پی پاسخ به این پرسش است که کاربرد خاص الگوهای آوایی و واجی تا چه اندازه می تواند گفتار یک شخص را برجسته کند و به آن شکل خاصی بدهد به گونه ای که با شکل های عادی سخن و زبان معیار متفاوت باشد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۳).

تکرار

یکی از شاخصه های مهم سبکی، تکرار و تداوم رفتارهای زبانی خاص در متن است. سبک زمانی هویت پیدا می کند که تکرار و تداوم عناصر صوری و محتوایی در سخن گوینده محسوس باشد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۴۸). به سطح آوایی می توان سطح موسیقایی متن نیز گفت؛ زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی آفرین بررسی می کنند. موسیقی درونی متن به وسیله صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع سجع، انواع جناس و انواع تکرار (هم حروفی، هم صدایی) به وجود می آید (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

زبان برای عینیت بخشیدن به عواطف شدید، شگردها و ویژگی های خاص خود را دارد؛ از جمله این شگردها، تکرار است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۱). یکی از موارد تکرار، تکرار در سطح حروف است. تکرار آوایی که در یک متن دیده می شود، می تواند القاکننده مفاهیم خاصی باشد و سبب آهنگین شدن کلام شود. در بررسی لایه آوایی اشعار عاشورایی تکرار حرف، واژه و عبارت به فراوانی وجود دارد که با ذکر نمونه هایی به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

این اشک ها به پای شما آتشم زدند شکر خدا برای شما آتشم زدند
(برقی، ۱۳۸۹: ۷۴)

در این شعر حروف «آ» و «ش» فراوانی بیشتری دارد که احساس عمیق شاعر و عشق و شور او را می رساند.



با تشنگان چشمهٔ احلی من العسل نوشم ز شربتی که شکرها دراوگم است
(قزوه، ۱۳۸۶: ۴۴)

این غزل عاشورایی نیز دارای تکرار حرف «ش» است و تأکید بر تشنگی می‌کند که با
عشق از هر شربتی شیرین تر است.

آن کهکشان شعله ور راه شیری است یا روشنای خون علی اصغر شما
(قزوه، ۱۳۸۶: ۳۰)

در این شعر علاوه بر تکرار حرف «ش» که باعث آهنگین شدن و زیبایی کلام شده
است عظمت خون علی اصغر علیه السلام را با تصویری از کهکشانشان نشان داده است.

همانطور که در اشعار فوق مشاهده می‌شود تکرار حروف علاوه بر ایجاد آهنگ کلام،
تداعی‌ها و تصاویر مختلفی را می‌سازد. بسامد بالای مصوت یا صامتی خاص در مجموع
یک اثر، علاوه بر تأثیر موسیقایی، به دنبال انتقال پیامی خاص به مخاطب نیز هست که
اغلب در راستای اندیشه کلی اثر قرار می‌گیرد. تکرار فراوان حرف «ش» در اشعار عاشورایی
تداعی اشک، شور، عشق، شهادت، آتشی که به خیمه‌ها زدند و عشقی که در جان شاعر
ریشه دوانده و احساس او را برانگیخته است. تکرار واژه علاوه بر ایجاد موسیقی در کلام بر
اهمیت و ارزش چیزی نیز تأکید می‌کند.

نوای نی نوای بی‌نوایی است هوای ناله‌هایش، نی نوایی است
(امین پور، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

غم نی بند بند پیکراوست هوای آن نیستان در سراوست
(امین پور، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

در ابیات فوق تکرار واژه‌های «نوا، نی و بند» وجود دارد که ضمن برجسته کردن این
واژه‌های محوری به نیزه شدن سر امام حسین علیه السلام و ناله و اندوه اشاره دارد. شاعر با تکرار
واژه‌ها همراه با شعر، شور و نوا می‌گیرد. تکرار موجب انسجام متن و پیوستگی میان اجزای
آن می‌شود.

بی‌درد مردم ما خدا، بی‌درد مردم نامرد مردم ما خدا، نامرد مردم
(معلم دامغانی، ۱۳۸۶: ۲۴)

تکرارواژه‌های «درد و مردم» در این شعر بر بی‌دردی و نامردی مردم زمانه امام حسین علیه السلام و همه انسان‌هایی که در مقابل ظلم و بیداد بی‌حرکت‌اند، اشاره می‌کند.

اسب، مست و دشت، مست و جاده، مست

هم زره، هم تیغ، هم کباده مست

ساد و ساحل، دجله و دریا خم‌ار

نخل‌ها چون کوه‌ها استاده مست

(صادقی رشاد به نقل از آئینه‌گردانی، ۱۳۹۵: ۱۷۵)

در این شعر شاهد تکرارواژه «مست» هستیم که تداعی از خود بی‌خود شدن همه عناصر صحنه کربلاست و تصویری از هیجان می‌سازد.

مشک تشنه، ماه تشنه، خیمه‌گاه تشنه ماه از میان نخل‌های شرمگین گذشت

(شفیعی به نقل از آئینه‌گردانی، ۱۳۹۵: ۱۶۹)

تکرارواژه «تشنه» در این بیت عطش و تشنگی فراوان همه عناصر و اصحاب و یاران را

می‌رساند. آن قدر تشنگی بر همه غلبه کرده که بر مشک و خیمه نیز تأثیر گذاشته است.

تکرار در سطوح مختلف، اعم از واژگانی و موسیقایی، از بارزترین ویژگی‌هایی است که در ثنا به وفور می‌توان یافت. ابن رشیق می‌گوید «باب رثا به خاطر وجود مصیبت و شدت حزن و اندوهی که فرد مصیبت دیده در خود می‌یابد، مناسب‌ترین مکان برای تکرار کلام است» (القیروانی، ۲۰۰۰: ۱۴۸ / ۲). از دیگر ویژگی‌های لایه آوایی در شعر فارسی وجود ردیف، قافیه و بررسی هم‌حرفی و هم‌صدایی موسیقی درونی شعراست. هم‌صدایی، تکرار مصوت‌ها و هم‌حرفی تکرار صامت‌ها را گویند، که به طور ضمنی بر مفهومی خاص در کلام دلالت می‌کند؛ چرا که بسامد بالای مصوت یا صامتی خاص در یک قطعه شعر، با غرضی خاص و برای انتقال پیامی خاص به مخاطب رخ می‌دهد. بررسی صنایع لفظی از دیگر مواردی است که در تحلیل آوایی متن بدان پرداخته می‌شود؛ از جمله جناس، سجع که از تشابه و تجانس صامت‌ها و مصوت‌ها حاصل می‌شود و شاید بتوان گفت هنگام بررسی توازن، هم‌حرفی و هم‌صدایی، این صنایع نیز بررسی می‌شود.

ببریدم، ببریدم، که خریدار حسینم دل من خون شده از مژده دیدار حسینم
نه شکیبی، نه قراری، نه مرا راه فراری چه کنم بوتۀ خاری، به چمن زار حسینم
(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۶۰)

این شعر عاشورایی دارای تکرار واژه، ردیف و قافیه درونی و بیرونی است که باعث ایجاد موسیقی و ایجاد عاطفه و احساس شده است.

دل ما غرق غم توست، حسین! سرما و قدم توست حسین!
کم و کرم توست، حسین! قبله ما حرم توست، حسین!
(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۶۹)

شعر عاشورایی فوق دارای هم حروفی غرق و غم و جناس در واژه‌های غم و قدم، کم و کرم و همچنین دارای ردیف و قافیه نیز است.

بگیر مرثیه گو! شاعرا! قلم بردست به یاد دست قلم، بر به سوی دفتر، دست
(انسانی به نقل از آیین‌گردانی، ۱۳۹۵: ۳۸)

این شعر عاشورایی در مورد حضرت ابوالفضل سروده شده که دارای ردیف و قافیه و تکرار واژه دست است که تأکید بر مفهوم فداکاری ایشان با قلم شدن دست‌هایش دارد. ای تشنه‌ترین دریا! سیراب‌ترین عطشان!

سرمست سماعی سرخ، در دایره میدان
(موسوی به نقل از آیین‌گردانی، ۱۳۹۵: ۳۳۵)

شعر فوق دارای قافیه درونی و ردیف و هم حروفی حرف «س» است که باعث ایجاد موسیقی در کلام شده است.

با توجه به نمونه‌های ارائه شده، شعر عاشورایی آهنگین و دارای موسیقی است که از ردیف و قافیه، تکرارها و صنایع لفظی در آن به وفور استفاده شده است. با توجه به اینکه این اشعار در مجالس آیینی کاربرد زیادی دارد، این ویژگی باعث زیبایی و برانگیختن احساس و تأثیر بیشتر بر مخاطبان می‌شود.

لایه واژگانی

بخش عمده‌ای از سرشک یک سبک ادبی را نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها از نظر

ویژگی‌های ساختمانی، گونه‌های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع هستند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۹). هنگام تحلیل سبک شناختی واژه‌ها باید با ماهیت واژه‌ها و نقشی که در آفرینش متن و محتوا دارند، آشنا باشیم. دلالت‌های واژه‌ها متنوع هستند که شامل عینی و ذهنی، عام و خاص، صریح و ضمنی و نظایر اینها است.

عینی و ذهنی

واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی و واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسی هستند. غلبه واژه‌های عینی، سبک متن را حسی می‌کند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۱). نمونه‌هایی از اشعار عاشورایی پس از انقلاب اسلامی از نظر واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نوع واژه‌ها از این نظر مشخص شود.

بر صخره از سیب زنج بر می‌توان دید / خورشید را بر نیزه کم‌تر می‌توان دید
(معلم، ۱۳۸۶: ۲۱)

در این شعر عاشورایی واژه‌های صخره، سیب، خورشید و نیزه عینی است. شمشیری که برگلوی تو آمد / هر چیز و همه چیز را در کائنات / به دوپاره کرد / هر چه در سوی تو، حسینی شد / و دیگر سو یزیدی / اینک ماییم و سنگ‌ها / ماییم و آب‌ها / درختان، کوهساران، جویباران، بیشه زاران / که برخی یزیدی / و گرنه حسینی‌اند.
(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۹)

در این شعر نیز واژه‌های شمشیر، گلو، سنگ‌ها، آب‌ها و درختان عینی هستند. آسمان بود و کبوتر و قفس پشت قفس / کاروانی عطش و خیمه هراسان در باد
(سمنانی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۱۰۰)

واژه‌های آسمان، کبوتر، قفس، خیمه و باد عینی هستند.

اشک برگردن، من طوق گل آویخته است

بس که دل سوختگان گریه برایم کردند

(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۹۴)

واژه های اشک، گردن، طوق گل و دل عینی هستند.
همانطور که در نمونه های اشعار عاشورایی مشاهده می شود بسامد واژه های عینی
بیشتر از واژه های ذهنی است.

عام و خاص بودن واژه ها

بررسی دیگری از واژه های این دوره از لحاظ عام و خاص بودن، نشان می دهد بیشتر
واژه ها خاص هستند و به اتفاق یا رویداد خاصی اشاره دارند.
در فکر آن گودالم / که خون تورا مکیده است (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۹). واژه
گودال خاص شده است.

مردی با بال های سپید اسبش در باد / می تازد (زمان پور به نقل از سنگری، ۱۳۹۱:
۱۵۲). واژه مرد خاص شده است.

روز عاشوراست / کربلا غوغاست / آتش سوز و عطش بردشت می بارید / در هجوم
بادهای سرخ / بوته های خار می لرزید (امین پور، ۱۳۸۶: ۴۳). واژه های روز، بادها و بوته
خاص شده اند.

پرچمی سبزرها دور علم می گردد / یک نفر مثل خودم دور حرم می گردد
(آقا براری به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۷۷)

واژه پرچم خاص شده است.

در شبی دم کرده و شرابی میان شعله ها

مرد بود و می گذشت از هفت خوان شعله ها

(رضایی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۸۸)

واژه شب خاص شده است. همانطور که در اشعار بالایی مشاهده می شود از ترکیب
واژه های عینی و خاص تصاویری واضح و شفاف برای حوادث واقعه کربلا ساخته می شود
به طوری که خواننده می تواند خود را آنجا احساس کند.

واژگان نشان دار

واژه های نشان دار علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، در بردارنده معانی ضمنی و

مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را نشان می‌دهند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۴). وجود معانی ضمنی و تداعی‌های مثبت و منفی در واژه‌های نشان‌دار، سبب می‌شود که این واژه‌ها در بردارنده دیدگاه و نگرش مشخص و تلقی ایدئولوژیک باشند؛ از این رو نشان‌داری، بیان‌کننده رابطه بین فردی در کلام است و سطوح سبکی را بیان می‌کند (همان، ۲۴۶).

ای هزارآینه حیران تو، یا ثارالله صبح سرزد زگریبان تو یا ثارالله
(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۴۴)

واژه ثارالله نشان‌دار است.

درنگاه علقمه، در قلب امواج فرات آرزوی بوسه آب آوری جا مانده بود
(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۱۷۴)

واژه‌های علقمه، فرات و آب آور نشان‌دار است.

کاروان بود و گلوی زخمی زنگوله‌ها ساریان دزدیده بود انگشتر خورشید را
(بیابانکی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۴۰)

واژه‌های کاروان، ساریان و انگشتر نشان‌دار هستند.

از این دامنی که توبه آب زده‌ای / هر عباسی که از علقمه برگردد / طوفانی ترمی شود
صحرا / آب از بی راهه برمی‌گردد و / چهارماه هاشمی میان چشم‌هایت طلوع می‌کنند
(مرزبان، ۱۳۸۹: ۱۸۲). واژه‌های عباس، علقمه و صحرا، آب و هاشمی نشان‌دار است.

ذوالجناح من، براق ليله الاسرای عشق

حسرت معراج جانان، صبر و تاب از من گرفت

(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

واژه ذوالجناح نشان‌دار است.

یا ذبیح الله / تو اسماعیل گزیده خدایی / و رویای به حقیقت پیوسته ابراهیم / کربلا
میقات توست / و محرم میعاد عشق (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۹).

واژه‌های ذبیح الله، اسماعیل، ابراهیم، کربلا و محرم نشان‌دار است.

با توجه به اشعار که در سطور بالا آمده است نقش واژه‌ها در شعر عاشورایی به لحاظ

عینی، خاص و نشان دار بودن پررنگ است و ایدئولوژی صریحی را نشان می دهد.

لایه نحوی

علم نحو عبارت از مطالعه روابط میان صورت های زبانی در جمله است که چگونگی توالی، نظم، هم نشینی و چینش واژه ها، ساختمان جمله ها، طول جمله ها، پیوستار بلاغی جمله ها، ساخت و نقش معنایی جمله ها و وجهیت و صدای دستوری آن را مورد بررسی قرار می دهد. برجستگی هر کدام از این موارد با اندیشه، بافت و نوع نگرش شاعر با موضوع شعر ارتباط دارد که بررسی هر کدام به صورت جداگانه خارج از حوصله یک مقاله است. بنابراین هر کدام از موارد نحوی که در شعر عاشورایی برجستگی زیادی داشته باشد را بررسی خواهیم کرد.

ساختمان جمله ها

باید توجه داشت که کوتاهی و بلندی جملات در کلام شاعران بستگی به فضای حاکم بر شعر دارد؛ به این معنی که برای نشان دادن شتاب در شعر جملات کوتاه می آید و برعکس فراوانی جملات بلند، سبکی آرام را رقم می زند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۷۵). هر چند در این گونه شعر، اشعاری با جملات بلند وجود دارد ولی فراوانی اشعار با جملات کوتاه و پیوسته بیشتر و به گونه ای است که انسجام معنایی در درون جمله ها وجود دارد.

شب بود و عشق بود و توبودی و ماه بود

ای نخل سربلند، دلت روبه راه بود

(مرادی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

بگذار تا بمیرم و تنها نبینمت تنها به روی سینه صحرا نبینمت

(لطفی، ۱۳۸۹: ۲۵۹)

هنگام محرم شد و هنگام عزا، های

برخیز و بخوان مرثیت کرب و بلا، های

(قزوه، ۱۳۹۱: ۳۲)

فراوانی اشعاری با جملات کوتاه شتاب و حرکت را نشان می دهد.

پیوستار بلاغی جمله‌ها (انسجام نحوی)

سازمان دهی واحدهای اندیشه در متن به انسجام بلاغی مشهور است که برای یک متن سبک‌دار دارای اهمیت است. انسجام و درهم پیوستگی متن حاصل پیوستار معنایی و دستوری است. انسجام معنایی متن را می توان به وسیله تحلیل پیوستار دستوری نشان داد. مهم ترین ساخت های دستوری در انسجام متن عبارتند از ارجاع، حذف، پیوند واژگانی (تکرار، ترادف، مراعات النظیر، تضاد) و تمهیدات پیوندی (مانند حروف ربط، شرط، علیت). جمله های متن با حضور این عناصر به هم پیوند می خورند و پیوستار متنی استحکام می یابد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۰).

لب های آب یک دونفس جان گرفته بود

وقتی مشک سردندان گرفته بود

(عرب خالقی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۲۳۳)

در این شعر با حرف ربط وقتی انسجام معنایی یافته است.

زرد و کبود و سرخ شد اما هنوز هم دارد عزای دیدن بابا هنوز هم

(لک به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۱۲۰)

شعر عاشورایی با حروف ربط انسجام معنایی یافته است.

اسب سفید، ساکت و آرام روبه دشت

با یال خونی و تن عریان نشسته بود

(سوزنی شیروان به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۹۳)

این شعر با حرف ربط و تکرار و ترادف انسجام معنایی دارد.

کربلا بود و سرونیزه و یک آه غریب اسبی از دور به دنبال صدا شرمنده

(کریمی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

شعر با حرف ربط انسجام معنایی دارد.



وجهیت در فعل جمله

وجهیت به طرز بارزی در فعل جمله نمود دارد. وجه فعل، «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که براخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱). در کتاب‌های دستور فارسی، فهرست‌های متنوعی از وجوه فعل در جمله‌های فارسی آمده که بخشی از آنها عبارتند از وجه اخباری، تأکیدی، تردیدی، عاطفی، شرطی، پرسشی، تمنایی، التزامی، امری و نهی. با بررسی اشعار عاشورایی مشخص شد که وجه پرسشی نمود بارزی دارد؛ در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد.

دل می برد ز غیب و شهود، این حسین کیست؟

از ما براو سلام و درود، این حسین کیست؟

(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۴۱)

این چشم‌ها برای که تبخیر می‌شود؟

این حلقه‌ها برای چه زنجیر می‌شود؟

(امین پور، ۱۳۸۶: ۴۸)

کربلا چون دل ما در تب و تاب است هنوز

مگر این دشت بلا تشنه آب است هنوز؟

(غفورزاد، ۱۳۸۴: ۱۶۸)

تصویری از دود و آتش در چشم من می‌نشیند

در خیمه آتش فتاده ست؟ یا من سراپا شرارم؟

(مجاهدی، ۱۳۷۷: ۱۳۱)

در اشعار بالا وجه پرسشی نمود بارزی دارد که باعث شده توجه خواننده را به آنچه

نویسنده بیان می‌کند جلب و احساس او را برانگیزد.

لایه بلاغی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی دارد. شگردهای بلاغی و

صناعات بدیعی را «تمیدات سبکی» نیز می‌نامند. این تمهیدات، هم در آفرینش متن خلاق و کارآمد هستند و هم به فرآیند خوانش و تحلیل متن یاری می‌رسانند. در همین لایه است که سبک‌شناسی می‌تواند با تکیه بر میزان کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ای پیدا کند؛ مثلاً کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد و بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۰۴؛ شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۲ تا ۳۴).

الف) تشبیه

در اشعار عاشورایی عنصر تشبیه با بسامد بالایی به کار گرفته شده است. شاعر با استفاده از تشبیهات که از عناصر طبیعت گرفته شده است، تصاویری زیبا و ملموس از حوادث می‌سازد که باعث می‌شود درک مخاطب ولذت اواز کلام بیشتر شود. تشبیهات صریح و بلیغ بیشترین بسامد را در این‌گونه اشعار دارد.

بر ریگ صحرا با اباذریویه کردم عماروش چون ابرودریا مویه کردم
(معلم به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۲۳)

از آنجایی که حوادث کربلا در دامان طبیعت و صحرا اتفاق افتاده، شاعران سعی کردند از عناصر طبیعت برای زیبایی کلام خود استفاده کنند. در این شعر عاشورایی ناله و اشک ریختن به ریزش از ابرودریا تشبیه شده است.

حکایت دل ما و غم غریب حسین حدیث جاذبه کهربا و گاه شده است
نگاه مضطرب دختری، به روی پدر طلوع عاطفه از اول پگاه شده است
(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۷۹)

در شعر بالایی تمام بیت به صورت تشبیه آمده است.

به گونه‌ی ماه / نامت زبانزد آسمان ها بود / و پیمان برادری ات / با جبل نور / چون
آیه‌های جهاد / محکم (حسینی به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۳۸). تشبیه حضرت ابوالفضل
به ماه و پیمان به آیه‌های قرآن در این شعر وجود دارد.

چون موج، روی دست پدر پیچ و تاب داشت

وزنازکی، تنی به صفای حباب داشت

(گرمارودی به نقل از آیین‌گردانی، ۱۳۹۵: ۳۳۹)

تشبیه حضرت علی اصغر علیه السلام به موج و به حباب که وجه شبه نیز ذکر شده است. همانطور که در نمونه اشعار مشاهده شد تمام تشبیهات از طبیعت گرفته شده که باعث به وجود آمدن تصاویری زیبا و ملموس شده است.

ب) استعاره

در مطالعات ادبی، استعاره را رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف می‌شمارند. سبک‌شناسان نیز استعاره را از مهم‌ترین صورت‌های مجازی می‌دانند و گاه آن را به منزله یک سبک رده‌بندی می‌کنند. با دقت در نوع شگردهای استعاری یک مؤلف، میزان دخالت خیال وی در توصیف موضوع و نوع تصرف در آن را می‌توان نشان داد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۱۴).

خورشید را برنیزه؟ آری این چنین است

خورشید را برنیزه دیدن سهمگین است

(معلم، ۱۳۹۱: ۲۱)

در این شعر خورشید، استعاره از امام حسین علیه السلام است. بزرگی و عظمت امام حسین علیه السلام در قالب بزرگی و وسعت خورشید بیان شده است.

اسب آرام رها کرد گلی را در خاک کربلا دید که ماهی به زمین غلتیده است
(منصوری به نقل از سنگری، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

در این شعر عاشورایی گل و ماه استعاره از حضرت قاسم علیه السلام است.

از بهاری سبز، هفتاد و دو سرو سرفراز

از تمام عشق، نخل بی سری جا مانده بود

(غفورزاده، ۱۳۸۴: ۱۷۴)

بیت بالایی به صورت استعاری به کار رفته است. سرو استعاره از یاران امام حسین علیه السلام

و نخل استعاره از امام حسین علیه السلام است.

بیدها رفته تا بیعت باد / نخل‌ها خفته در حسرت خاک / لاله‌ها در آتش / لحظه‌ها

قاب یک فاجعه عریان است (عباسی داکانی به نقل از آیینه‌گردانی، ۱۳۹۵: ۱۹۹). شعر نو

عاشورایی که کاملاً به صورت استعاری به کار رفته است.

چون دید غرق به خون، ماه عشق را خورشید

ز روی شرم به رخساره زد نقابی سرخ

(مهدی به نقل از آئینه گردانی، ۱۳۹۵: ۳۴۶)

شعر عاشورایی فوق کاملاً استعاری است. ماه عشق استعاره از حضرت ابوالفضل علیه السلام و خورشید استعاره از امام حسین علیه السلام است. شاعران در دوره‌های متفاوت، در کاربرد استعارات به سان تشبیهات، از عناصر طبیعت برای استعارات خود استفاده کردند. از آن جایی که اهل بیت علیهم السلام بهترین، پاک‌ترین و برگزیده‌ترین آفریده‌های خدا و به حقیقت تجلی صفات و اسما خداوند در روی زمین هستند، تشبیه آنان به غیر از زیباترین و بهترین پدیده‌های هستی روا نیست. پس شاعران در همه دوران برای زیبایی کلام خود از تشبیهات و استعاراتی مشابه یکدیگر استفاده کردند.

ج) شخصیت بخشی

تشخیص، در شمار استعاره‌های مکنیه و صورتی استعاری است که در آن صفات انسانی به پدیده‌های غیر انسانی داده می‌شود. از ویژگی‌های شخصیت بخشی می‌توان به اعطای خصوصیات انسان به پدیده‌های دیگر، گسترش عواطف انسانی به درون اشیاء و هم دلی با پدیده‌ها، غلبه تخیل آدمی بر طبیعت اشاره کرد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۱۸). یکی از مواردی که در بررسی لایه بلاغی اشعار عاشورایی مشاهده می‌شود وجود تشخیص در این گونه اشعار است. آن قدر زندگی در کربلا و عاشورا جریان دارد که همه اشیاء و حیوانات زنده هستند و این موضوع در سرتاسر این گونه اشعار موج می‌زند.

چشمان خیس علقمه امواج رود بود آن روز رود شاهد کشف و شهود بود
(برقعی، ۱۳۸۹: ۲۴۷)

در این بیت عاشورایی دروازه‌های علقمه ورود تشخیص به کار رفته است.

مشک تشنه، ماه تشنه، خیمه گاه تشنه‌تر

ماه از میان نخل‌های شرمگین گذشت

(شفیعی به نقل از آئینه گردانی، ۱۳۹۵: ۱۶۹)



در این بیت نیز مشک و ماه شخصیت بخشی شده‌اند.

بادها / نوحه خوان / بیدها / زنجیرزن / لاله‌ها / سینه زنان حرم باغچه / بادها / در
جنون / بیدها / لاله‌ها / غرق خون / خیمه خورشید سوخت / برگ‌ها گریه کنان ریختند /
آسمان / کرده به تن پیرهن تعزیه / طبل عزا را بنواز: ای فلک (صلاحی به نقل از سنگری،
۱۳۹۱: ۵۶). در این ابیات دروازه‌های بادها، بیدها و... تشخیص وجود دارد.

مشک! نومید مشو، تا به حرم راهی نیست

تو در این معرکه‌ی درد، مریاری کن

تیر! در چشم برو، لیک سوی مشک میا

به هوای سرزلفش تو هواداری کن

(جوادی به نقل از آیینه گرد/نی، ۱۳۹۵: ۲۴۹)

در ابیات فوق دروازه‌های مشک و تیر تشخیص وجود دارد. تمام آفریده‌های خدا زنده
هستند و درک و شعور دارند شاعر از این موضوع استفاده کرده و اسب، دشت، مشک و
خیمه را همراه خود کرده تا عمق رنج و غربت امام علیه السلام را نشان دهد.

ایدئولوژی

ایدئولوژی نظامی از باورها، عقاید، نگرش‌ها، ارزش‌ها و احساسات است که به طور
خودآگاه یا ناخودآگاه در نوشتار و گفتار نمودار می‌شود. ساختارها و رخدادهای کلامی
اساساً ماهیتی ایدئولوژیک دارند. تصویر یک سطح صفرتهی از ایدئولوژی در هر متنی اگر
ناممکن نباشد حداقل دشوار است. رولان بارت ایدئولوژی را یک نظام معنای ثانویه
می‌داند که معنای ضمنی را به معنای اولیه یا معنای صریح می‌افزاید (سجودی، ۱۳۸۷:
۱۸۵). ایدئولوژی‌ها در متون به صورت صریح و ضمنی بازتاب می‌یابند. متن‌هایی که در
آنها ایدئولوژی با صراحت و شفافیت بازتاب یافته، از نوع متن‌های گفتمانی‌اند که به طور
مستقیم، نشانه‌ها و محتوای گروه ایدئولوژیک را بیان می‌کنند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۵۰). از
آنجایی که شعر عاشورایی متعلق به جامعه گفتمان مذهبی و دینی است که در آن گروهی
از نویسندگان و خوانندگان خاص خود را دارد تراکم عناصر ایدئولوژیک در لایه‌های

مختلف سبک و کلام آن (نظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی) فراوان است. در سطح آوایی تکرار حروف و واژه‌ها علاوه بر ایجاد موسیقی، باعث تأکید کلام، حرکت، شور و احساس عمیق شاعر نسبت به امام حسین علیه السلام و یارانش را نشان می‌دهد و در طول تاریخ باعث برانگیختن احساس و ایجاد شور و عشق در انسان‌ها برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی شده است. حرکت و قیام بزرگ عاشورا که به وسیله برپایی عزاداری‌ها، مرثیه‌ها و اشعار پرشور سالیان سال زنده نگه داشته شده، زمینه‌ساز قیام‌ها و حرکت‌های انسان‌های مظلوم بر علیه ظالمان در طول تاریخ شده است. در بررسی واژه‌های اشعار عاشورایی این نکته به روشنی دیده می‌شود که تراکم واژه‌های نشان‌دار و دارای بار ایدئولوژیکی بسیار زیاد است، واژه‌های نشان‌داری که از لحاظ تاریخی و فرهنگی مفاهیم و دلالت‌های ضمنی متعددی دارند. مانند شمشیر، نیزه، صحرا، کاروان، خیمه و لب تشنه که اشاره به حوادث و اتفاقات عاشورا دارند. همچنین واژه‌هایی از قبیل اسامی شخصیت‌هایی عاشورایی مانند حسین علیه السلام، ابوالفضل علیه السلام و ثارالله باعث شده در بیشتر موارد ایدئولوژی در آن آشکار و صریح نشان داده شود. شعر عاشورایی سرشار از احساس، شور و عاطفه نسبت به اهل بیت و از طرفی پراز نفرت و انزجار نسبت به ظالمان تاریخ است. این معنا در وجهیت عاطفی و پرسشی نمود پیدا کرده است. پرسشی که به فراوانی در بیشتر اشعار تکرار شده است که این همه شقاوت و ظلم چرا نسبت به بهترین و برگزیده‌ترین آفریده‌های خدا باید وجود داشته باشد تا مخاطب را به تفکر وادار کرده و بیدارگردان‌های خفته در مقابل ظلم در تمام تاریخ باشد.

در بررسی لایه بلاغی اشعار عاشورایی تشبیهات و استعاراتی وجود دارد که از جمله می‌توان به تشبیه امام حسین علیه السلام به خورشید و همچنین علی اصغر علیه السلام به غنچه اشاره کرد. نمونه‌های فراوان از اینگونه تشبیهات و استعارات در زمان‌های مختلف و در شاعران گوناگون تکرار شده و در حافظه گروهی و باورهای جمعی قرار گرفته است. این عامل باعث شده ایدئولوژی در لایه بلاغی شفافیت بیشتری داشته باشد. با توجه به نمونه‌هایی که آوردیم، مشخص می‌شود به جز موارد محدود شعر عاشورایی کاملاً ایدئولوژیک است که در همه لایه‌های آن به وضوح دیده می‌شود ولی در لایه آوایی و واژگانی صراحت بیشتری

دارد.

نتیجه

شعر عاشورایی، شعری معناگرا و محتوا محور است که زبان در خدمت معنا به کار گرفته شده است. این اشعار، آهنگین و دارای موسیقی است که به واسطه تکرار در حروف، واژه‌ها و داشتن ردیف و قافیه به وجود آمده است. وجود آهنگ و موسیقی در کلام باعث تأثیر بیشتر بر مخاطبان در مجالس آیینی می‌شود. در این اشعار از واژگان عینی و خاص بیشتر استفاده شده است. واژگان عینی برای تحقق اندیشه و ایجاد تصویری شفاف و زیبا برای ساختن صحنه‌های واقعه کاربرد زیادی دارد. وجود واژگان نشان‌دار مانند نیزه، خیمه، فرات، ثارالله و ذوالجناح که دارای بارارزشی و فرهنگی از واقعه عاشورا و شخصیت‌های عاشورایی است، گوشه‌ای از این حادثه عظیم را نشان می‌دهد. در لایه نحوی، جملات به صورت‌های گوناگون و با چینش‌های نشان‌دار و به صورت جملات کوتاه به کار برده شده است که در آنها انسجام معنایی وجود دارد. همچنین در لایه نحوی و جهت پریشی و عاطفی نمود زیادی دارد که باعث برانگیختن توجه و احساس مخاطب می‌شود. در تحلیل لایه بلاغی، عنصر تشبیه، استعاره و تشخیص وجود دارد که از میان این موارد استعاره بسامد بالایی دارد. تشبیهات و استعارات بیشتر عینی و از طبیعت گرفته شده که در شاعران و در همه دوره‌ها تکرار شده است. ایدئولوژی در این اشعار صریح و شفاف است که در لایه آوایی و واژگانی نمود بیشتری دارد. مضمون، محتوا و واژه‌ها در بیشتر موارد در دوره‌ها و شاعران مختلف تکرار شده است. لازم است شاعران شناخت بیشتری نسبت به شخصیت‌ها و هدف اصلی قیام امام حسین علیه السلام پیدا کنند و از ماندن در وادی مرثیه صرف و همچنین واژه‌ها و تصاویر تکراری دوری جویند. قیام عاشورا حادثه عظیم و پرارزش است که دارای پیام آزادگی، ایثار، گذشت، ادب و هزاران خصلت زیبای انسانی است که باید به همه انسان‌های آزاده جهان انتقال داده شود. استفاده از زبانی تازه و تصاویری بدیع و توجه بیشتر به هنری شدن کلام بر جذابیت‌های شعر عاشورایی می‌افزاید که بایستی هنرمندان و شاعران عرصه شعر آیینی توجه بیشتری نسبت به آن داشته باشند.

منابع

- آئینه گردانی، دین سروده‌های شعرای آیینی، (۱۳۹۵)، جمعی از شاعران، چاپ دوم، تهران، نسیم انقلاب.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۶)، آینه‌های ناگهان، تهران، نشر افق.
- انصاری، نرگس (۱۳۸۹)، عاشورا در آئینه شعر معاصر، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- تقوی زیروانی، محمدباقر (۱۳۹۰)، «بررسی رویکردهای شاعران انقلاب اسلامی به واقعه عاشورا»، کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، استاد راهنما: عبدالرحیم حقدادی، مشاور: مرادعلی واعظی.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، نشر علم.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۱)، رازرشید، تهران، سوره مهر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیات سبک‌شناسی، تهران، فردوس.
- غفورزاده، محمدجواد (۱۳۸۴)، سلام بر حسین، مشهد، هاتف.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی، نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها، تهران، سخن.
- فرشیدرود، خسرو (۱۳۸۲)، دستور مفصل امروز، تهران، سخن.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۶)، باکاروان نیزه، تهران، سوره مهر.
- _____ (۱۳۹۱)، صبح بنارس، تهران، شهرستان ادب.
- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۷)، یک صحرا جنون، تهران، دارالصادقین.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۹۲) «تحلیل اشعار عاشورایی عصر انقلاب اسلامی»، کتاب نقد، شماره ۶۷-۶۸.
- معلم دامغانی، علی (۱۳۸۶)، رجعت سرخ ستاره، تهران، سوره مهر.
- موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۶۳)، خط خون، تهران، زوار.
- نعمت سرا، مظاهر و محمدرضا زمان احمدی (۱۳۹۶)، «نقد زیباشناختی شعر آیینی عاشورایی قیصر امین پور»، فصلنامه زیباشناختی ادبی، سال چهاردهم، شماره ۳۲.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۴)، وزن و قافیه شعر فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- Leech, Geoffrey, N. (1969), A linguistic Guide to English Poetry, London, (3rd ed. 1973).